

بار گران

مسئولیت اجتماعی!

آنهایی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم ، با کودکان و جوانان ارتباط دارند و برای اصلاح رفتار و تعیین خطسیر اصلی زندگی آنان کوشش میکنند ، یعنی پدر، مادر، معلم و گردانندگان جراید، دستگاههای فرستنده، سینما، عاو ... دونکنه اصلی را همواره باید در نظر داشته باشند و بارعایت آن ، وظیفه خود را بشایستگی انجام دهند .

مسئولیت اجتماعی

نخست اینکه همه افراد بمنزله چرخها و ابزارهای ماشین اجتماع هستند که جامعه را بسوی تکامل و تمدن سوق می دهند . همانطوری که دریک واحد صنعتی ، اگر یکی از چرخها و ابزارها و مهره ها از کار بیفتند ، یا کار خود را بصورت ناقص انجام دهد کار دستگاه نیز ناقص یا متوقف ، خواهد شد . در واحد اجتماع نیز از کار افتادن و یا قصور افراد ، بزرگترین لطمه به پیشرفت و تکامل اجتماع وارد می سازد و این مسئله ای است که بسیار اهمیت دارد .

اگر بخواهیم این مسئله را در سطح محدودتری مورد بررسی قرار دهیم ، باید مقیاس را ملتهایی که دریک مملکت زندگی می کنند قرار دهیم . در اینصورت ، هر فردی موظف است که بملت و مملکت خود ، صمیمانه و بیدریغ ، خدمت کند و اسباب پیشرفت و سر بلندی ملت و مملکت خود را فراهم سازد . ولی بهتر است مسئله را در سطحی وسیعتر و بمقیاس «خانواده بشری» مورد مطالعه قرار دهیم .

در اینصورت ، هر فردی و هر ملتی خود را عضو « یک خانواده بزرگ » ، بیلیارد نفری ، میدانند که هدفی جز ترقی و تمالی نباید داشته باشد و در چنین شرایطی ، کلیه ملل جهان ، نه

تنها باید مزاحم پیشرفت و ترقی این واحد بزرگ نباشند ، بلکه باید از راه تعاون و همزیستی مسالمت آمیز ؛ کوشش ترقی خواهانه خود را به ثبوت رسانند !

متأسفانه در عصر ما بنام تمدن و پیشرفت ، بزرگترین لطمه ها به حیثیت انسانی وارد میشود . آنهایی که با فرستادن سه انسان ؛ به حوزه جاذبه ماه ، جهانی را غرق در اعجاب و حیرت می سازند و از این پیروزی بزرگ ، احساس غرور و افتخار می کنند ، در صحنه های جنگ پدید آورنده و حشمتنا کترین خونخواری هستند ! اگر باور ندارید ، حوادث خاور دور و خاور میانه را مطالعه کنید .

بدون اینکه اهمیت موضوع را انکار کنیم ، خاطر نشان می کنیم که بگردش درآمدن سه انسان در اطراف ماه در برابر عظمت این جهان بزرگ ، چندان کار مهمی نیست ، در منظومه شمسی ما بقول يك منجم هلندی چهل بلیون ستاره وجود دارد ؛ که تنها نامگذاری آنها در صورتی که هر کدام يك ثانیه وقت لازم داشته باشد ۱۷۰۰ سال طول می کشد ؛ چه کوتاه فکراست فضا نوردی که می خواهد در این مسافت کوتاه و محدود فضایی خدایا بنگرد ! ... در حالی که دیدار خدا با چشم سر ، امکان ندارد ، بلکه با چشم عقل ممکن است . و باز ملاحظه می کنیم که بنام خدمت بشدن مملکت ها ، چه لطمه ها و زیانهای بملتها وارد میشود ، دسته های هستند که از روی عمد و یاسهو یا اشتباهاً بتخدير اعصاب مردم ، بویژه جوانان می پردازند . کنسرت های عمومی ، فیلم های سینمایی و تلویزیونی ، انواع واقسام موسیقی ها ، مواد افیونی و الکلی ، صرف نظر از اینکه باقتصاد يك مملکت لطمه می زند و انرژی هارا خنثی می سازد ، سلامت روحی و جسمی افراد را در معرض خطر قرار می دهد .

من مراکزى را که در تهران بنام « کاخ جوانان » ، بوجود آمده است ، از نزدیک ندیده ام روزی که این مراکز ، تأسیس می شد ، گمان می کردم که راستی بمنظور جلوگیری از سرگردانی و افسار گسیختگی نسل جوان یعنی کودکان دیروز ، و بوجود آوردن تفریحات سالم و بالاخره تشویق آنها بمطالعه و شرکت در کنفرانسهای مفید آموزنده و ... بوجود آمده است شاید هم در آغاز ، تأسیس آن بهمین منظورها بوده است . زیرا غیر از این هم کسی حرفی نمیزد ! ولی نمیدانم چه شد که بتدریج این مراکز در مسیری دیگر افتاد و اکنون ملاحظه می کنیم که « کاخ جوانان » مرکز اجرای کنسرتها و سر گرمیهای زیان بخش شده و همه ایده آلهای مقدس - اگر ایده مقدسی در کار بوده - فدای يك ایده شهوانی شده است ! امیدواریم این مسئله مورد توجه بیشتری قرار گیرد . زیرا بدون تردید ، در حال حاضر ، دنیا در مسیر يك انقلاب عظیم فکری و علمی و اجتماعی قرار گرفته است و این روشها و نمونه های آن مارا از کاروان

تمدن ، بازمی دارد .

نتیجه این طرز رفتار ، این میشود که دختران مملکت ما در حضور يك خواننده بیگانه ، سینه‌ها را بگشایند و ازاو تقاضا کنند که با «روژه» روی سینه‌های آنها را بعنوان «یادبود» امضا کند و یا «بلوز» های خود را درحالی که باوج هیجان رسیده‌اند ، بسوی او بوسط صحنه پرتاب کنند و او نیز با «هیجانی شدیدتر» ، کراوات خود را بسوی آنها پرتاب کند . هر انسان وطن دوستی وقتی می‌شود که این کراوات بطوری پاره پاره شد که قطعات بزرگ آن از يك سکه دوربالی بزرگتر نبود و هر قطعه‌ای میان دختران به پانصد تومان خرید و فروش شد ! دچار شدیدترین تأثر میشود . اینها غیر از جیغ و فریادهایی است که دختران با شنیدن صدای خواننده مذکور ، سرمی‌دادند !

کسانی بودند که برای زیارت جمال بیمثال «یول براینر» ! شبی تا صبح در اطراف هتل هیلتون ، بیدار ماندند و بدینوسیله ، عالیترین عواطف ننگین و آلوده خود را ابراز داشتند ! شنوندگان دلدادۀ «حمیرا» خواننده معروف عرب ، پیش از شرکت در کنسرت ، حشیش مصرف می‌کنند تا حظ بیشتری ببرند و در لحظات طوفانی استماع نواهای دلانگیزی ، دستمال دردها خود می‌کنند تا بی اختیار جیغ نکشند !

مردمی که در چنین محیطهای مسخ و آلوده‌ای بار آیند ، هرگز نمیتوانند دارای زندگی سالم باشند . در نظر چنین مردمی اخلاق پسندیده و عواطف پاک انسانی و مفاهیم مقدسی چون عدالت ، شرافتمندی ، عفت ، وفاداری ، همت ، جوانمردی ، فداکاری و ... الفاظی تو خالی بیش نیستند .

کسانی که از روی عمد و یا اشتباه افراد را باین صحنه‌ها می‌کشاند و آنها را از داشتن يك زندگی سالم ، بازمی‌دارند ، در درجه اول بملت خود و در درجه دوم به «جامعه بشری» خیانت کرده‌اند و در حقیقت «انسانیت» را از مسیر اصلی خود منحرف ، یا لااقل ، پشرفت و سیر آنرا کند یا متوقف ساخته‌اند .

طبقه‌ای که دارای يك چنین زندگی ناسالم هستند ، همچون انگلهائی هستند که جامعه را بوجود خود درنجمی دهند و بقول دکتر کارل : «امروزه باوجود شکست‌آیده اولوژیها و آشوب جهانی ، عقل و احساسات به ترقی خود ادامه می‌دهد . بدون شك بشریت جمع بی‌شماری از ضعفا و ناقص عقلا و ابلهان اخلاقی و دیوانگان و جنایتکاران و معلولین را بدنال می‌کشد (۱) ،

۱ - راه و رسم زندگی صفحه ۵۸ .

ولی شك نیست که در چنین محیطهای ناسالم و آشفته ، ترقی عقل و احساسات ، بسیار بکندی صورت می گیرد و بشریت ، بابدنبال کشیدن این همه ضعیف ، ناقص عقل ، ابله اخلاقی ، دیوانه ، جنایتکار و معلول ، بخودی خود از پا آید و فلج میشود .

قرآن مجید که سعادت بشر را در داشتن يك زندگی سالم و برانداختن انگلهای اجتماعی و تقویت روحی و جسمی انسان می داند و بابرنامه های جاودانی خویش ، زمینه را برای ساختن «اجتماع سالم و پیشرو» فراهم می سازد ، درباره آن طبقه ای که مزاحم ترقی و رشد انسانیت هستند و سررشته مفاسد را بدست دارند و مایلند که در جامعه ، زشتی ها و انحرافهای اخلاقی رواج داشته باشد ، تا خود بهره بردارهای بلهوسانه شخصی بنمایند ، چنین می گوید : **ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم** ، (سوره نور آیه ۱۹) یعنی کسانی که مایلند زشتیها ، در میان مردم با ایمان شایع شود ، برای آنها عذابی دردناک است .

مریی وظیفه شناس کسی است که خود را مدیون اجتماع بداند و توجه داشته باشد که اگر درست بوظیفه تربیتی خود عمل کند و نونهالانی را که تحت تربیت او هستند ، از نظر عقل و عواطف درست بپروراند و آنها را از يك زندگی سالم ، برخوردار گرداند ، در حقیقت همچون يك میکانیسین متخصص که ابزارها و چرخهای يك واحد صنعتی را برای جریان و حرکت صحیح آن تعمیر و اصلاح می کند ، توانسته است **واحد بزرگ یا کوچک اجتماع بشری** ، را در راه حرکت صحیح و ترقی و پیشرفت ، یاری و مدد نماید و برای این **واحد بزرگ یا کوچک** ، انکل و طفیلی و عناصر مخمل و سدره ترقی بار نیآورد ، این خدمت ، بیقین بالاتر از خدمت يك میکانیسین یا پزشک یا مهندس و غیره است چه اگر ما انسان سالم نداشته باشیم هیچیک از صنایع و علوم برای ما مفید نیستند .

بررسی اجمالی و مطالعه سطحی زندگی گانی پاره ای از ملتها نشان می دهد که زندگی فردی و اجتماعی آنان با شکستهای بسیار روبرو است ، بقول دکتر کارل : **نشانه این شکستها واضح است : الکلیسم عمومی ، سستی بنیان خانواده ، و نوزدهای منحرف ، فراوانی کودکان بی تربیت و معیوب ، خانواده های کم فرزند ، حسد و تشنگی کامل در قلب هر گروه اجتماعی ، در خانواده و کارگاه و دفتر و کارخانه و شهر و حتی دانشگاه و بیمارستان و مؤسسات خیریه و نفاق و ناتوانی در مشارکت برای يك امر اجتماعی ؛ این نشانه ها معرف آشفته گیهای عمیقی در عقل و احساس و نماینده **بدی پرورش فعالیت های روانی** ، است . قسمت اعظم مردم ، اکنون ، نمی توانند مشی عاقلانه ای در زندگی اختیار کنند ، (۱) .**